

اشتباه محاسباتی در شناخت ستیزه جویی چگونگی حمایت های مالی و مشخصه های سیاست ملی دادن فرصت به دیپلوماسی یا انجام اقدامات تنبیهی؟

ویژگی های سیاست و روحانیت در کشور عزیز ما افغانستان
ستراتژی جامعه جهانی در منازعات نا متقارن
اصول شریعت و ضابطه های بنیادگرایی
خانه ای که تقسیم شده است

اشتباه محاسباتی در شناخت ستیزه جویی زمانی رخ میدهد که بازیگران سیاسی، اطلاعات ناقص یا جهت گیریهای شناختی را در تحلیل ارزیابی تهدید اعمال کنند. این پدیده معمولاً ناشی از کم بها دادن و یا بیش بها دادن عمدی توان دشمن، توهم آسیب ناپذیری، نادیده گرفتن هزینه های جنگ و تحلیل های نادرست ستراتیژیک می باشد. بررسی این اشتباهات در قالب خطاهای ادراکی و شناختی، پیامدهای امنیتی و الگوهای تصمیمگیری قابل درک می باشد. اشتباه محاسباتی در شناخت ستیزه جویی بمفهوم دیگر، خطای راهبردی است که در آن، تصمیمگیرنده ها، توانمندی، اراده یا انگیزه های طرف مقابل را اشتباه ارزیابی مینمایند. این امر ناشی از سرگیری شناختی بوده که به پیامدهای فاجعه باری نظیر محاسبات اشتباه در شروع، بگسترش یا طولانی شدن ناخواسته های منازعات منتهی میگردد. اشتباه و خطای محاسباتی بمثابة خطای ادراکی از پدیده های مختلفی ریشه میگیرد که بررسی آنها بمنظور درک رفتار بازیگران در منازعات بین المللی ضروری پنداشته می شود، از جمله: خوشبینی غیر واقعینانه، کم بها دادن بدشمن، غفلت از اطلاعات نامتناقص، توهم آسیب پذیری، نقش جهت گیری های شناختی، بررسی نمونه های تاریخی و تفاوت برآوردهای اطلاعاتی. در تحلیل های راهبردی، پارها نقش این خطاهای تحلیلی در ارزیابی قدرت یا راهبردهای کشورها، مشاهده شده است. برخی تحلیل گران اشاره میکنند که رویکردهایی چون فشار حداکثری برین برآورد های اشتباه آمیزی بود که فشار اقتصادی و انزوا، حتمن به تغییر بنیادین رفتار منجر میگردد، در حالی که در بسیاری از حالات، توانمندیهای منطقوی و عمق ستراتیژیک بمثابة عاملی برای پایداری مبدل گردید. در مقابل، درگیریهای منطقوی نیز نمونه هایی از برآوردهای غلط در محاسبات بازیگران متخاصم می باشد.

بمنظور وضاحت بیشتر موضوع مورد مطالعه، یاددهانی این مسأله از اهمیت شایانی برخوردار می باشد که سؤ تفاهم ها، بویژه در مورد ستیزه جویی، اغلب در برگیرنده تفلیل پرخاشگری در قبال ظلم ساده بیولوژیکی پنداشته می شود. خطای اساسی ارزیابی "جنگ طلبی" در کشور عزیز ما، در تفلیل آن به تجاوز ذاتی نهفته می باشد. در واقعیت امر، این بمثابة یک پدیده پیچیده بقا می باشد. موقعیت منحصر بفرد کشور عزیز ما، ساختار قبیله یی غیر متمرکز، فرهنگ استقلال پښتونولی، همه و همه به تجربه شهروندان کشور از درگیری های طولانی مدت در سرزمین ما افغان ها بستگی دارد. نشانه های ستیزه جویی و آمادگی بمنظور مقاومت در کشور عزیز ما افغانستان را می توان از طریق تحلیل هنجارهای اجتماعی - فرهنگی، آداب و رسوم سنتی، لفاظی ها و نمادگرایی شناسایی نمود. ستیزه جویی و موارد و زمینه های نظا می در کشور عزیز ما افغانستان را از طریق تحلیل عوامل ژئوپولیتیکی، سنت های اجتماعی - فرهنگی (مانند اصول شرافت پښتونولی) و حضور گروهای مسلح مانند "طالب" ها درک نمود. درک و شناخت نظامیگری مستلزم بررسی تا

ریخ، مذهب و وضعیت سیاسی کنونی می باشد. قابل تذکر پنداشته میشود که ناظران امور سیاسی مربوط بکشور عزیزما، بویژه در اوایل تصرف مجدد قدرت توسط "طالب" ها، چنین پنداشتند که رژیم یادشده، اصلن دستخوش تغییری نگردد و در چگونگی عملکردهای شان، مانند سابق، از شدت عمل کار می گیرند. آیا همه شهروندان کشور چنین می پندارند که چگونگی زندگی و حیات شهروندان میهن عزیزما، بویژه در محلات و مناطق تحت تسلط "طالب" ها دستخوش تحولاتی گردیده و یا بر روال سابق ادامه دارد؟

پس از آنکه قوت های بین المللی، آغاز به ترک سرزمین و اراضی کشور عزیزما نمودند، تقریبین همه روزه اخباری مبنی بر تصرف شهرها، قرأ و قصبات و مناطق مختلف کشور توسط شورشیان بگوش رسیده و قبل از همه، این شهروندان ملکی کشورما بودند که در بلاتکلیفی و هراس بسر میبردند. با چنین وضعیت غیر قابل تحمل، هزاران تن از شهروندان کشور، پس از آغاز درگیری ها و بخاک و خون افتادن اهالی بیدفاع ملکی کشور، ناگزیر به ترک خانه و کاشانه شان شده و در صدد جستجوی راهای فرار از مرگ ناخواسته، بویژه مسیر مهاجرت بکشورهای همجوار افغانستان را برگزیدند. درین مقطع، پرسشی باین شرح مطرح میگردد که چسان می توان درد، رنج و مشقت شهروندان کشور را توجیه نمود؟ اما جنگ، جنگ است، حیات و زندگی شهروندان کشورما را مرگ حتمی تهدید مینمود. همه بخاطر دارند کاین "طالب" ها بودند که در گریه های مسلحانه و جنگ را آغاز نمودند. در اول امر، همه "طالب" ها چنین می پنداشتند که در مجموع، اصل چگونگی سیر حوادث و وقایع اتفاقیه، بگونه ایده آل بنفع آنهاست.

اما کشور عزیزما در حال حاضر، در کنار معضلات عدیده دیگر، از جمله یکی هم درگیر اختلافات مرزی گسترده و جنگ آشکار با پاکستان و سایر گروه های تروریستی می باشد. درگیری های مسلحانه یادشده با گلوله باری های توپخانه ایی و حملات هوایی همراه بوده است که در نتیجه، تعداد بیشماری از شهروندان ملکی و غیر نظامی کشور عزیزما بخاک و خون غلطیدند. همه شاهد بودند که نظامیان پاکستانی، گویا پس از حمله به تأسیسات نظامی "طالب" ها، در مستقیم ترین رویارویی مسلحانه بین دودولت تاکنون، دولت پاکستان و در رأس، نظامی های آن کشور، "جنگ آشکار" را علیه کشور عزیزما افغانستان اعلام نموده اند. تحرکات پسین در پاکستان و افزایش روز افزون خشونت های مرگبار شبه نظامی ها در پاکستان و سایر موارد دیگر را، اسلام آباد، به "تحریک طالب های پاکستان" نسبت داده و متذکر می گردد که جنگجویان "تحریک" یادشده در اراضی متعلق به افغانستان مستقر بوده، در آنجا فعالیت های تخریبکارانه شان را طرح ریزی نموده و در پاکستان با اجرای عملی آن مبادرت می ورزند. اتهامی که "طالب" ها در افغانستان، ادعای فوق را از بیخ و ریشه رد می نمایند.

"طالب" ها در امتداد سال ۱۳۷۴ خورشیدی، به تصرف کابل مبادرت ورزیده و متعاقب آن، "امارت اسلامی افغانستان" را بنا نهاده و الی سال ۱۳۷۹ خورشیدی، نظارت شان را تقریبین بر ۹۰ درصد از اراضی کشور، وسعت بخشیدند. حاکمیت یادشده، بمثابه یک استبداد مذهبی نهایت متمرکز در کشور برقرار گردیده و اجرای تفسیر خود از قانون و مراتب مبتنی بر شریعت را بر توسعه نهاد های دولتی ارجحیت می داد. در شرایط و وضعیت اینچنینی، گروه های رادیکال اسلام می مانند "القاعده"، از کشور عزیزما بمثابه پایگاهی بمنظور جذب و آموزش افراط گراها و ارسال آنها به کشورهای مورد نظر، استفاده بعمل می آوردند.

با وجود اینهمه، پاکستان بمثابه کشور همجوار شرقی میهن عزیزما افغانستان، در ظاهر امر، با تلاش های ضد تروریستی ایالات متحده همنوا بود، اما اسلام آباد در حفظ و نگهداری "طالب" ها، بویژه پس از برکناری آنها از قدرت، نقش عمده ای ایفا نموده و رهبری "طالب" ها، عملیات اقدامات شورشیان را از انسوی "خط دیورند" هدایت و رهبری می نمودند. همچنان، عناصری در سازمان اطلاعات داخلی پاکستان (آی.اس.آی)، ارتباطات و مناسبات و پیوندهای پنهانی شان را با گروه یادشده حفظ نموده و امکانات آموزش، تهیه منابع و زمینه پشتیبانی های عملیاتی را برای آنها فراهم نمودند. هنگامی که ائتلاف برهبری ایالات متحده، رسمن مأموریت رسمی اش را در امتداد سال ۱۳۹۲ خورشیدی پایان بخشید، نیروهای دفاعی و امنیت ملی کشورما، مسؤولیت امنیت سراسری در سرزمین خویش را عهده دار شدند. با وجود اینهمه، نیروهای یادشده با مشکلات و موانع متعددی در حفظ قلمرو و دفاع از محلات و مراکز جمعیتی کشور مواجه بودند. "طالب" ها بانجام حملاتی به مناطق روستایی و شهرهای بزرگ کشور ادامه داده و در نتیجه، نیروهای دفاعی و امنیتی کشورما، تلفات سنگینی را متحمل گردیدند، اما وضعیت تقریبین در امتداد شش سال در بن بست باقی ماند.

در همین حال، در امتداد سال ۱۳۹۳ خورشیدی، گروه تروریستی جدید دیگری، یعنی "دولت اسلامی" خود خوانده با جدأ شدن از پیکر "تحریک طالب های پاکستان"، "القاعده" و جنگجویان "طالب" ها، پا بعرصه وجود نهادند که هدف عمده و اصلی آنها، پایه گذاری و ایجاد "خلافت" مبتنی بر شریعت در سراسر منطقه تاریخی خراسان شامل افغانستان،

ایران، پاکستان و آسیای مرکزی بوده و بمثابه الهامبخش انجام حملات علیه اهداف غربی و تضعیف حاکمیت های دموکراتیک در سراسر آسیای مرکزی و آسیای جنوبی پنداشته می شود.

در امتداد ماه دلو سال ۱۳۹۸ خورشیدی، پس از یکسال مذاکرات مستقیم اداره واشنگتن و "طالب" ها، توافقنامه دوحه را امضا نمودند که بر بنیاد آن جدول زمانی، خروج قوت های امریکای از کشور را تعیین گردید. بر بنیاد توافقنامه یاد شده، ایالت متحده متقاعد گردیده و تعهد نمود که بگونه تدریجی، تعداد نظامیان آن کشور را کاهش داده و در امتداد زمانی ۱۴ ماهه، تمامی نظامیان آن کشور، سرزمین و اراضی افغانستان را ترک نمایند، در عوض، "طالب" ها نیز تعهد نمودند تا از استفاده و بکارگیری اراضی افغانستان توسط گروه های تروریستی جلوگیری نموده، ممانعت بعمل آورده و با دولت افغانستان وارد گفتگو و مذاکره گردند.

در امتداد ماه ثور سال ۱۴۰۰ خورشیدی، جو بایدن رهیس جمهور ایالات متحده، اعلام کرد که نظامیان کشورش الی ماه سنبله سال ۱۴۰۰ خورشیدی، سرزمین افغانستان را ترک خواهند نمود. "طالب" ها که علیرغم مذاکرات صلح با دولت افغانستان، بر رقابت بر تصرف قلمرو کشور ادامه داده بودند، حملات و یورش های شان را علیه پایگاه های نیروها ی دفاعی و امنیت ملی کشور افزایش داده و بسرعت بر تصرف مناطق بیشتری مبادرت ورزیدند. در امتداد ماه ثور، ادا ره واشنگتن اعلام نمود که خروج نظامیان آن کشور را سرعت بخشید، تا پایان ماه سرطان، ایالات متحده تقریباً ۹۵ درصد از نظامیان کشورش را از افغانستان فرأ خوانده و صرف بتعداد ۶۵۰ تن در افغانستان باقی خواهند ماند. بتاریخ ۲۴ ماه اسد، بیش از دو هفته از مهلت رسمی خروج نظامیان امریکایی، جنگجویان "طالب" ها وارد کابل شده، اشرف غنی، رهیس جمهور کشور، فرار را برقرار ترجیح داده و بدین ترتیب، بنیاد دولت افغانستان از هم فرو ریخت.

پس از تصرف کشور توسط "طالب" ها، دولت بر رهبری بایدن، مجوز اعزام پنج هزار تن از نیروهای اضافی را بمنظور کمک به تخلیه پرسونل امریکایی و متحدان افغان آنها و همچنین هزاران شهروندان افغان را که با ایالات متحده همکاری نموده و قصد خروج از کشور را داشتند، صادر نمود.

بتاریخ ۴ ماه سنبله، یک تن بمب گذار انتحاری با انفجار مواد دست داشته اش، بتعداد ۱۷۰ تن از شهروندان کشور و همچنان بتعداد ۳۰ تن از نظامیان امریکایی را بهلاکت رساند که می توان آنرا بمثابه مرگبارترین روز برای نظامیان امریکایی در کشور ما، از سال ۱۳۹۰ خورشیدی ببعد محسوب نمود. "داعش خراسان"، مسئولیت حمله یاد شده را بر عهده گرفت.

با کمال تأسف که شهروندان کشور ما، بویژه در امتداد دودهه پشین، شاهد از دست رفتن همه دستاوردهای لیبرال و دموکراتیک در کشور بودند. دختران از ورود بمدارس متوسطه منع گردیدند، بانوان باید با یکی از بستگان مرد خانواده سفر نموده و سر و صورت شان را در ملأی عام کاملن باید بپوشانند و... بر بنیاد گزارش سازمان ملل، افغانستان در حال حاضر، یکی از بزرگترین بحران های بشری جهان را تجربه نموده و با آن دست و پنجه نرم می کند. در سال ۱۴۰۴ خورشیدی، تقریباً نیمی از شهروندان کشور یا ۲۲،۹ میلیون تن آنها بکمک های بشردوستانه نیاز داشتند. علاوه بر آن، ۲۸،۱ درصد از شهروندان کشور ما با سوء تغذیه حاد مواجه بودند. با وجود فعالیت های بشردوستانه، جریان کمک های بین المللی کاهش یافته است که از یک جانب از بی میلی غرب در تعامل با "طالب" ها و از جانب دیگر ناشی از خستگی و درماندگی گسترده اهدا کننده ها محسوب می گردد. در کنار این همه، تداوم تحریم ها در قبال بانک مرکزی کشور، سبب رکود اقتصادی در سراسر کشور گردید.

بسختی دیگر، ستیزه جویی های فرأ مرزی از یک جانب و بحران امنیتی در پاکستان، از جانب دیگر، بنحوی از انحاء، بویژه پس از بازگشت "طالب" ها بقدرت، همچنان ادامه یافت که پیامدهای آن بگونه ایی در تضاد با منافع پاکستان قرار گرفت. اگرچه رهبران پاکستان، در ابتدای بقدرت رسیدن "طالب" ها در سال ۱۴۰۰ خورشیدی، جشن گرفته و به پایکوبی پرداختند، اما از آن زمان تاکنون، بدلیل عرض اندام نمودن "تحریک طالب های پاکستان" که عمومن بنام طالب های پاکستانی شناخته می شوند، فضای امنیتی این کشور، بشدت روبو خامت گذاشته است.

با بقدرت رسیدن "طالب" ها در کشور، افغانستان به پایگاه امن و نیروی تازه ای برای "تحریک طالب های پاکستان" مبدل گردیده و گسترش عملکردهای فرأ مرزی "طالب" ها را ممکن و میسر نمود. خشونت های یاد شده، تنها در امتداد سال پاره مرگبارترین سال برای پاکستان، بویژه در یک دهه پشین محسوب گردید، چه، در مدت زمان یاد شده، تعداد مرگ و میر ناشی از درگیری های مسلحانه درین کشور، ۷۴ درصد افزایش یافته و به بیش از ۳۴۰۰ تن رسید. پاکستان ن که زمانی نزدیکترین متحد "طالب" ها در افغانستان بود، اکنون و در وضعیت کنونی، خود را در یک رابطه آشکار خصمانه می بیند، زیرا حملات "تحریک طالب های پاکستان" در آن کشور همچنان تشدید میگردد، بر بنیاد ادعای اداره

اسلام آباد، وضعیت اینچنینی، پویایی امنیت منطقوی را پیچیده تر و غامض تر می نماید. در حالی که کابل، علنن موجودیت و حضور جنگجویان تحریک طالب های پاکستان را در افغانستان انکار نموده و بگونه طبیعی تمایل و علاقه ایی باعمال فشار بر گروه یادشده ندارد، تا حدودی بدلیل هرأس از اقدام اینچنینی، می تواند جناح های تندرو را بجانب "داعش خراسان"، بجانب رقیبی که قدرت "طالب" ها را مورد تهدید قرار می دهد، سوق دهد. اما "داعش خراسان"، معضل و مشکل دیگری را ایجاد خواهد نمود. چرا که با وجود عقب نشینی در قلمرو مربوط، ظرفیت انجام حملات مسلحانه در کشور عزیز ما و در داخل فلمر و پاکستان را نیز حفظ نموده است. بالین وجود، "طالب" مدعی اند که "داعش خراسان" در حال نابودی بوده و اما پاکستان را به پناه دادن بگروه شبه نظامی یادشده متهم می نمایند. "داعش خراسان"، جاه طلبی هایش را فراتر از منطقه وسعت بخشیده و همچنان صدها تن از افراد ملکی را در روسیه، ترکیه و ایران ب خاک و خون کشید.

بخاطر ماباشد که تهدیدهای تروریستی توسط "تحریک طالب های پاکستان" و "داعش خراسان" با حضور فعال و گسترده شبه نظامیان دیگر در منطقه تشدید گردیده است. شورش بلوچ ها، ریشه در الحاق این منطقه به پاکستان در سال ۱۳۲۶ خورشیدی دارد که از سلسله شورش های قبیلوی بیک جنبش ملی گرایانه با انجام عملیات نهایت پیچیده مبدل گردیده است. از آغاز سال ۱۴۰۳ خورشیدی، جناح هایی از ارتش آزادیبخش بلوچستان، حملات غامض و پیچیده ای را سازماندهی و اجرا نمودند که ناشی از عمق نارضایتی از سیاست های اداره اسلام آباد تلقی می گردد. در مورد درگیری ها میان "طالب" ها و پاکستان بایست یادمانی بعمل آید که تنش در مورد حمایت "طالب" های افغان از "تحریک طالب های پاکستان"، در امتداد ماه میزان سال ۱۴۰۴ خورشیدی، به درگیری های مسلحانه مبدل گردید. زمانی که نظامیان پاکستانی، به هدف گویا وارد نمودن ضربات به پایگاه ها و مراکز تروریستی طالب های پاکستانی، حملات هوایی را بر قلمرو و اراضی متعلق بکشور عزیز ما آغاز نمودند، بمثابه مرگبارترین درگیری بین دو کشور، بویژه از زمان تصرف قدرت توسط "طالب" ها در کابل در امتداد سال ۱۴۰۰ خورشیدی بشمار آمده که پس از پا در میانی قتل و ترکیه، آتش بس مؤقت ناقد گردید.

بتاریخ ۱۷ ماه دلو سال ۱۴۰۴ خورشیدی، یک تن بمب گذار انتحاری، مسجدی را در اسلام آباد هدف قرار داده و بدنبا ل آن، بتاریخ ۱۸ ماه دلو، "تحریک طالب های پاکستان" در باجور بانجام حمله انتحاری متوسل گردیدند. سرویس های امنیتی پاکستان مدعی شدند که شواهد غیر قابل انکاری دال برین واقعیت بود که سازماندهی حملات یادشده در افغانستان طرح ریزی گردیده بود. پس از آن، اداره اسلام آباد حملات هوایی را بمنطقه ایی از ولایت های ننگرهار و پکتیکا بدلیل گویا هدف قرار دادن پایگاه های طالب های پاکستانی، اجرا و عملی نمود که انجام اقدامات تلافی جویانه در امتداد "خط دیورند" را بدنبال داشت. همچنان بتاریخ ۲۵ ماه حوت، حمله قوت های نظامی پاکستان بیک بیمارستان تداوی معتادان بمنظور ترک اعتیاد در کابل، بمرگبارترین حمله علیه غیر نظامیان کشور ما، بویژه پس از بقدرت رسیدن مجدد "طالب" ها در کشور مبدل گردید. با وجود آنکه پاکستان ادعا نمود که به تأسیسات شورشیان حمله نموده است، اما هیأت کمک رسانی سازمان ملل در کشور ما، مرگ کم از کم، ۲۶۹ تن از شهروندان ملکی کشور را تأیید نمود. در نهایت امر بومثابه نتیجه گیری بایست گفته شود کاشتبه محاسباتی در تشخیص یا ارزیابی خصومت، در نوع خود، بگونه معمول، نشاندهنده یک مغالطه در برنامه ریزی میباشد. در روانشناسی و علوم سیاسی، این یک مورد کلاسیک از یک بازیگریا دولت می باشد که پرخاشگری، پتانسیل یا سطح مقاومت حریف را دست کم می گیرد که منجر باقدا مات ستراتیژیک نادرست می گردد. این خطای تحلیلی مبتنی بر چندین محاسبه نادرست می باشد، از جمله:

- ارزیابی نادرست از انگیزه، ارزیابی دشمن از منظر دستاوردهای خودی و بهمین دلیل است که تهدیدهای پنهان بی پاسخ می مانند؛

- رکود فکری و ادامه ستراتیژی قبلی و حتا زمانی که داده های دریافتی، بوضوح نشاندهنده افزایش پرخاشگری و آمادگی برای درگیری می باشد؛

- و استفاده از تحلیل ریسک پویا بمنظور جلوگیری از مشکلات مشابه.

بمنظور بهره بردن از دقیق ترین محاسبات، بموارد ذیل باید توجه بعمل آید:

- آیا مسأله مورد نظر مربوط بیک رویداد تاریخی (بگونه نمونه آغاز یک جنگ) است یا وضعیت فعلی ژئوپولیتیکی؟ اما مهمتر از همه، باید این معضل واضح گردد که در چه زمینه ای اشتباه محاسباتی رخ داده است؟

یکشنبه ۴ ماه اسد سال ۱۴۰۵ خورشیدی، برابر با ۲۶ ماه جولای سال ۲۰۲۴ ترسای